

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرکه، سرماخوردگی، آنفلوآنزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

## شهادت ۲ تن از دریا بانان میناب در باقاچاقچیان

دو تن از دریادلان پایگاه دریایی میناب حین مقابله با قاچاقچیان در منطقه جنوب کشور به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. در راستای مقابله با قاچاق کالا در دریای جنوب (منطقه میناب)، طی چند روز گذشته مأموران دریایی هرمزگان با اشراف اطلاعاتی و تحت کنترل قرار دادن منطقه از وجود مقادیر قابل توجهی مواد مخدر، سوخت، احشام و ... مطلع شدند. پس از تحت کنترل قرار گرفتن منطقه، دریابانان برای توقیف شناور به منطقه میناب اعزام و به محض مشاهد قاچاقچیان فرمان ایست صادر کردند؛ این در حالی است که قاچاقچیان با مشاهده مأموران با آنها درگیر شده و ۲ تن از دریادلان پایگاه دریایی میناب «ستوار یکم سجداد افراسیابی» و «گروهبان یکم حسن کریمی» حین درگیری در این عملیات، به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. متهمان پس از ساعتی دستگیر شدند.

## ذره بین

### کشف قاب عکس تریاکی قبل از ارسال به کانادا

شهروند | دو کیلو و ۵۰۰ گرم تریاک در قاب عکس کشف شد. متهمان قصد داشتند این قاب عکس تریاکی را به کانادا منتقل کنند. ساعت ۱۲ روز ۲۰ خردادماه مأموران پست گمرک اداره چهارراه لشکر با کلاتری ابوسعید تماس گرفتند و اعلام کردند که مردی ۳۳ ساله قصد دارد بسته‌ای مشکوک را به کشور کانادا ارسال کند، بنابر این مأموران بلافاصله رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و به محل اعلام شده اعزام شدند. پس از حضور مأموران در محل و بررسی بسته، مشخص شد که این بسته حاوی یک قاب عکس ۴۵×۵۰ سانتیمتری است که به طرز ماهرانه‌ای لول‌های حاوی تریاک در آن جاسازی شده است. فردی که بسته را به اداره پست تحویل داده بود به مأموران اعلام کرد که بسته را از فرد دیگری تحویل گرفته و هم‌اکنون این فرد بیرون از اداره و در خودروی شخصی خود در حال استراحت است. به این ترتیب، مأموران به سرعت وارد عمل شدند و با راهنمایی‌های منتهم اول، شخص دیگر نیز دستگیر شد و هر دو نفر به کلاتری منتقل شدند. رئیس پلیس پیشگیری پایتخت بایبان این که با بازجویی از دو متهم مشخص شد این دو نفر با همدستی یکدیگر قصد انتقال دو کیلو و ۵۰۰ گرم تریاک به کشور کانادا را داشته‌اند، اظهار کرد: «یکی از متهمان ادعا کرد که مواد مخدر را از فردی در غرب ایران دریافت کرده است.» بر اساس گزارش پلیس پایتخت و به گفته او، پرونده‌ای در این خصوص تشکیل شده است و متهمان به همراه مواد کشف شده در اختیار پلیس مبارزه با مواد مخدر قرار گرفته‌اند.

### پایان یک کودک ربایی در ورامین

شهروند | یک آدم‌باز در کمتر از ۲ ساعت در ورامین دستگیر شد. در پی تماس تلفنی زنی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر ربوده شدن دختر ۲ ساله‌اش توسط همسر موقت سابقش در شهرستان ورامین، موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی کلاتری شهید قدوسی ورامین قرار گرفت. پلیس با پایش اطلاعاتی دقیق و بررسی و تحقیقات میدانی در کمتر از ۲ ساعت موفق به شناسایی مفتریگانه آدم‌باز و پس از هماهنگی با مقام قضائی بلافاصله با اعزام چند اکیپ از مأموران به آدرس مورد نظر در یک عملیات غافلگیرانه متهم را دستگیر و کودک ۲ ساله ربوده شده را آزاد کردند و تحویل مادرش دادند. آدم‌باز که قبلاً همسر موقت شاکای بوده و به علت مشکلات شخصی از هم جدا شده بودند، دلیل این اقدام خود را بازگشت مجدد به زندگی عنوان کرد. متهم پس از تشکیل پرونده به مراجع قضائی معرفی شد.

### یاتوق آزادی دیگر امن نیست

شهروند | دو خرده‌فروش در آغاز طرح مبارزه با خرده‌فروشان در محدوده میدان آزادی دستگیر شدند. سرهنگ مجتبی شمس بیرونوند، رئیس کلاتری آزادی در این باره گفت: «برنامه‌ریزی‌هایی انجام شد و با مبادا روز دوشنبه شناسایی خرده‌فروشان مواد مخدر در محدوده میدان آزادی در دستور کار قرار گرفت. در راستای شناسایی این خرده‌فروشان فردی ۳۲ ساله که در این محدوده فعالیت می‌کرد، شناسایی شد و تیمی از مأموران به سرعت برای دستگیری وی وارد عمل شدند. این متهم حین مواجهه با مأموران قصد داشت متواری شود، اما عکس‌العمل به‌موقع مأموران موجب دستگیری وی شد.» سرهنگ بیرونوند با اشاره به انتقال این متهم به کلاتری گفت: «این فرد پس از انتقال به کلاتری با صراحت به خرید و فروش مواد مخدر و همکاری خود با فردی حدوداً ۳۹ ساله اعتراف کرد. همچنین در بازرسی بدنی از متهم مقدار ۴۰ گرم از انواع مواد مخدر به دست آمد که ضمیمه پرونده شد.» وی بایبان این که مأموران، دستگیری متهم دیگر را نیز در دستور کار خود قرار دادند، گفت: «مأموران برای دستگیری متهم دوم که قرار بود برای انجام خرید و فروش مواد مخدر به این محدوده بیاید وارد عمل شدند و با شیوه‌های پلیسی، متهم را در لحظات ورود به پاتوقش شناسایی و دستگیر کردند. در بازرسی بدنی از وی نیز مقدار ۱۵ گرم مواد مخدر به دست آمد.» تاکنون مقدار ۳۵ میلیون تومان از متهمان وجوه نقد کشف شده است. این افراد ادعا داشتند که پول‌ها را از خرید و فروش مواد مخدر به دست آورده‌اند. وی در پایان گفت: «متهمان با تشکیل پرونده‌ای به همراه مواد مکشوفه و پول نقد، به مقام قضائی معرفی شدند. تحقیقات برای دستگیری دیگر هم‌دستان این افراد در دستور کار قرار دارد.»

## روایت باورنکردنی زن و مرد شیمیایی که در دادگاه لاهه باهم آشنا شدند

# «چیمین» در جستجوی دختری به نام «ژیان»



می‌زند. دختر جوانی که بعد از آشنایی با مردی جانباز، تصمیم گرفت دختر گمشده آن مرد را پیدا کند. چیمین بعد از آشنایی با قادر مولانپور، مسیر زندگی‌اش عوض شد. راهی جدید انتخاب کرد. قادر مردی بود که او هم یادگار و خاطره‌ای تلخ و وحشتناک از بمباران جنگ برایش مانده بود. تمام خانواده‌اش را از دست داده و دختر کوچکش را هم در بیمارستان تبریز جا گذاشته. دختری به نام ژیان که در دست بعد از تولد در همان شلوغی جنگ در بیمارستان جا ماند. قادر در عرض چند روز، همسر، دو پسر و دو دخترش را از دست داد و تنها ژیان برایش مانده بود، اما او را هم گم کرد. مردی تنها و افسرده که سال‌ها با آرزوی در

شهروند از زندگی‌اش در ۹ ماهگی نابود شد. روزی که در بمباران جنگ در شهرستان بانه، شیمیایی شد و مادرش را هم از دست داد. چیمین از همان زمان تا الان با درد و زجر زندگی کرده و همیشه حسرت مادرش در دلش مانده. مادری که جان خود را فدا کرد تا تنها دخترش زنده بماند. چیمین حالا ۳۱ سال است که با حسرتی در دل و دردی در جانش زندگی می‌کند. نفس می‌کشد اما به سختی؛ یادگار جنگ او را آزار می‌دهد و زندگی‌اش را برایش به آرزویی بزرگ تبدیل کرده است. اما حالا چند وقتی می‌شود که این دختر ۳۲ ساله هدفی دارد. هدفی بزرگ که برایش می‌جنگد و به این در و آن در



قادر مولانپور همسر خانوادگی‌اش پیش از تولد ژیان



چیمین شیمیایی در دادگاه لاهه



چیمین شیمیایی در دادگاه لاهه

داشت و در این مدت با تنهایی و افسردگی دست و پنجه نرم کرده است. چون خودم هم از جنگ خاطره دارم و در این سال‌ها عذاب زیادی کشیدم، با این پیرمرد احساس همدردی کردم و تصمیم گرفتم به او کمک کنم. قادر هیچ‌کس را نداشت. حتی اسمش هم در لیست جانبازان شیمیایی نبود و کسی به دانش نمی‌رسید. برای همین تصمیم گرفتم به او کمک کنم.

### در این سال‌ها سر نخ می‌پیدا کردید؟

هنوز نه هیچ سر نخ نیست. با این حال دست از تلاش برنداشتم. دوسال پیش بود که قادر بر اثر همان شیمیایی شدنش جان باخت. وقتی دانش می‌مرد وصیت کرد که من دست از تلاشم برای پیدا کردن ژیان نکشم. او دخترش را به من سپرد. من هم تصمیم گرفتم با این که قادر جان باخته، اما باز هم دخترش را پیدا کنم.

### چرا؟

چون خودم همیشه حسرت داشتم و جنگ زندگی‌ام را نابود کرد، با خودم گفتم اگر ژیان زنده باشد حتماً او دارد با درد و حسرت زندگی می‌کند. حداقل به او بگویم که پدرش چقدر برای پیدا کردنش تلاش کرد. از طرف دیگر نمی‌توانم وصیت‌قادر را نادیده بگیرم. او از من خواست دخترش را پیدا کنم. ژیان اگر زنده باشد باید بداند که پدر و مادرش که بوده‌اند و پدرش چقدر دوست داشته او را در آغوش بگیرد. برای همین دست از تلاش بر نمی‌دارم. از همه مردم و مسئولان بیمارستان تبریز می‌خواهم به من کمک کنند تا ژیان ۳۲ ساله را پیدا کنم و اگر سر نخ داشتند با شماره‌های ۰۹۲۲۲۱۹۸۲۳۳۸، ۰۹۱۲۸۴۵۴۴۰ و ۰۹۱۸۲۳۳۸۵۰۲۴ تماس بگیرم.

بلافاصله بیمارستان اترک کنند. آنها به تهران می‌آیند اما در شلوغی جنگ دختر تازه به دنیا آمده‌شان در بیمارستان جا می‌ماند. بعد از آن بود که همسر قادر هم فوت می‌کند. قادر دیگر هیچ‌کس را نداشت و تنها دخترش برایش می‌ماند که او هم گم شده بود.

### قادر خودش هم شیمیایی شد؟

بله. وقتی همسر و فرزندانش را بعد از شیمیایی در آغوش می‌گیرد، بر اثر استفرغ و تنفس آنها خودش هم شیمیایی می‌شود. اما بعد از مرگ خانواده‌اش آن قدر افسرده بوده که نامش را در لیست جانبازان شیمیایی ثبت نمی‌کند.

### دختر قادر چطور در بیمارستان جامی ماند؟

آن زمان اوضاع خیلی بهم ریخته بود. همسر قادر به سختی زایمان می‌کند و بلافاصله آنها را به تهران منتقل می‌کنند. قادر خودش نمی‌داند چطور دخترش گم می‌شود.

### برای پیدا کردن دخترش چه کارهایی کرد؟

او دوباره به بیمارستان تبریز می‌رود، اما اثری از دخترش نمی‌بیند. حتی مسئولان بیمارستان هم از این مسأله اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. قادر خیلی به دنبال دخترش می‌گردد، ولی او را پیدا نمی‌کند. وقتی با او آشنا شدم گفت که تمام آرزویش در آغوش گرفتن ژیان است.

### اسمش را ژیان گذاشته بود؟

بله. آنها درست لحظه تولد، چیه اسمش را «ژیان» گذاشته بودند که به زبان کردی به معنی زندگی است.

### چی شد که شما پیگیر پیدا کردن دختر قادر شدید؟

وقتی پای درد دل قادر نشستم فهمیدم مرد رنج کشیده و تنهایی است. او بعد از مرگ خانواده‌اش حال روحی بدی

بیشتر کشورها این کار را کرده بودند. اما هلند پیگیر ماجرا شد و در نهایت هم متهم را پیدا کرد. او به ۱۵ سال زندان محکوم شد. با این حال ۲۵ نفر از جانبازان شیمیایی در ایران به دادگاه هلند برای شهادت احضار شدند. من و آقای مولانپور جزو آن ۲۵ نفر بودیم که به دادگاه هلند رفتیم. در آن جایایشان آشنا شدم و سرگذشتش را فهمیدم.

### از چه شهرهایی به دادگاه هلند رفتید؟

بیشتر از جنوب غربی تا شمال غربی بود. یعنی از خوزستان، ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی.

### سر نوشت متهم هلندی چه شد؟

با شهادت ما میزان حبس او به ۱۷ سال افزایش یافت. اما بعد ۷ سال از زندان آزاد شد. قرار بود به بازماندگان بمباران شیمیایی غرامت پرداخت شود، اما هیچ‌کس خبری نشد.

### از سر نوشت قادر بگوئید.

او مردی رنج کشیده بود. در زمان جنگ قادر به همراه دو پسر و دو دختر و همسرش در روستای رش هری سر دشت در آذربایجان غربی زندگی می‌کرد. تا این که بمباران می‌شود. یعنی ۵ دقیقه بعد از بمباران سردشت روستای آنها هم به همان میزان بمباران می‌شود. قادر شغلش بنایی بود. زمانی که بمباران می‌شود او در محل کارش بوده و چون مسیرش دورتر از روستا بود آن زمان شیمیایی نمی‌شود. در حال کار بود که خانواده‌اش را می‌بیند که به شدت شیمیایی شده‌اند و با الاغ به سمت سردشت در حرکت هستند. همسرش هم باردار بود. آنها خودشان را به قدر می‌سازند.

اما هر کدام یکی پس از دیگری جان می‌دهند. همسرش هم بلافاصله برای زایمان به بیمارستانی در تبریز منتقل می‌شود. بعد از زایمان دخترشان، آنها مجبور می‌شوند

## اعتراف ویدیویی باقی‌افه‌ای حق به جانب

خشمگین با پیراهتی سبز رنگ و در حالی که چاقو در دست داشت، وارد اتوبوس شد. مسافران که از دیدن این صحنه شوکه شدند، فقط نظاره‌گر رفتار و حرکات این مرد بودند. مرد چاقو به دست در حالی که با صدای بلند فریاد می‌زد به طرف یکی از مسافران اتوبوس رفت و با چاقو چند ضربه به او زد. شاهدان وحشت‌زده زبانشان بند آمده بود. اما این پایان کار نبود، مرد مهاجم پس از خروج از اتوبوس و در حالی که چاقو در دست داشت، با صدای بلند فریاد می‌زد: «کشم چون بازی در می‌آورم، می‌خواستم طلاقت بدهم، مهر به‌اش را هم می‌دادم، اما او اذیت می‌کرد، این سزای کسی است که این کارها را با من می‌کرد.» مرد چاقو به دست اما ساعتی بعد از سوی پلیس دستگیر شد.

شهروند | به زرم گفتیم مهریه‌ات را می‌دهم، طلاق بگیر. اما هر روز بازی در می‌آورم. سزای چنین آدمی این است. این چند جمله‌ای است که مرد قاتل شهرضایی تنها دقایقی پس از قتل همسرش آن را با صدای بلند تکرار می‌کرد. تصاویر کوتاهی از این حادثه ۲۰ ثانیه‌ای که گویا ۱۸ خرداد ماه در شهرضای استان اصفهان منتشر شده است. تصاویری که در آن قاتل پس از کشتن همسرش و در حالی که چاقو در دست داشت، جملاتی را در باره علت قتل همسرش بر زبان می‌آورد. بنا بر اعلام پلیس و شاهدان عینی این جنایت هولناک در اتوبوس شهری رخ داده است. شنبه ۱۸ خرداد حوالی ظهر بود که ساکنان و اهالی یکی از محله‌های شهرضای صحنه هولناکی مواجه شدند. مردی

